

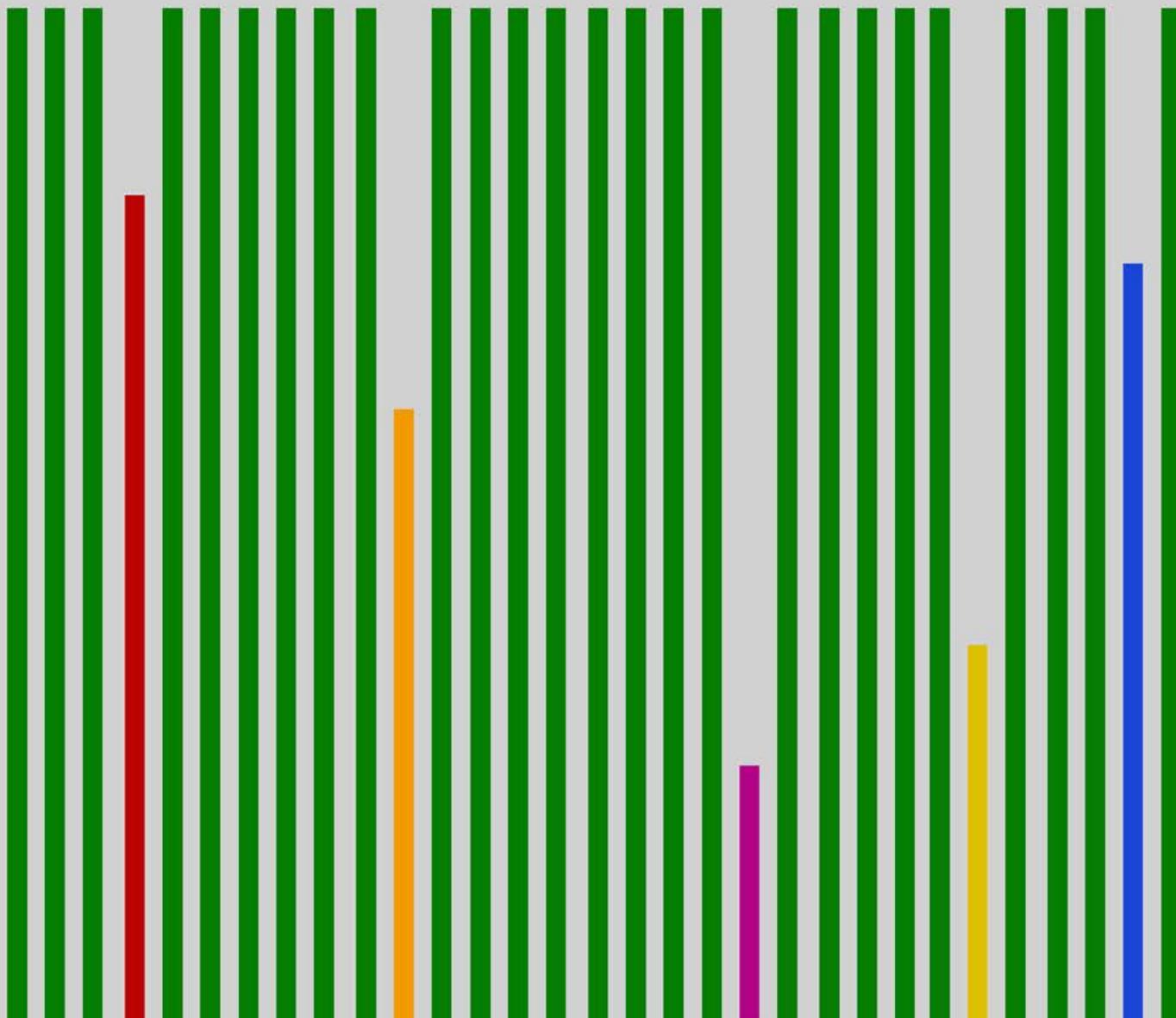
# ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال نهم شماره ۱۳۴

۹ آبان ۱۳۹۹ / ۳۰ اکتبر ۲۰۲۰



## تبعیض - ۲



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: سروناز رستگار، نیره انصاری، علی اصغر فریدی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

## قوانین و تبعیض در جمهوری اسلامی

تبعیض اتنیکی ناشی از تبعیض مذهبی در  
قانون اساسی است

تبعیض طبقاتی، حاصل همه تبعیض های قانونی در  
جمهوری اسلامی

قانونی بدون عدالت برای زنان

قوانین، حقوق و تبعیض

## قوانین و تبعیض در جمهوری اسلامی

### سروناز رستگار

کارزار انتخاباتی خردادماه ۹۲ بر آن تاکید کرد، موضوع رفع تبعیض‌های جنسیتی و ارایه فرصت برابر میان زنان و مردان بود. او **«وعده داد»** که «در دولت آینده به طور حتم اختلافات فاحشی که میان زنان و مردان وجود دارد، برطرف می‌شود و زنان می‌توانند ملموس‌تر از گذشته در صحنه سیاسی کشور حاضر شوند.»

روحانی همچنین وعده داد که «دولت آینده دولتی است که میان زنان و مردان در موقعیت کاری و شغلی تبعیضی قائل نخواهد شد.»

با این تغییر چندانی در وضعیت اشتغال زنان در دور اول ریاست جمهوری حسن روحانی رخ نداد اما او همچنان به وعده‌های خود ادامه داد. او در **«تبلیغات دور دوم ریاست جمهوری‌اش»** گفت: «شما مگر هر روز فشار نیاوردید که اشتغال زنان باید متوقف شود؟ شما برگردید به احکامی که صادر کردید یک بار دیگر نگاه کنید. کارنامه ما روشن است. هدف ما کاملا واضح است. ما تبعیض جنسیتی را نمی‌پذیریم.»

با آغاز رسمی کار دولت دوازدهم رئیس‌جمهور حسن روحانی مصوبه شورای عالی اداری درباره **«نحوه انتخاب و انتصاب مدیران حرفه‌ای»** را به تمام وزارتخانه‌ها، موسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی ابلاغ کرد.

1. <https://bit.ly/3o9HvIV>
2. <https://bit.ly/3lluave>

«شورای عالی اداری که به موجب ماده ۵۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مرجع تصویب دستورالعمل اجرایی فصل هشتم و شرایط تخصصی و عمومی پست‌های مدیریت حرفه‌ای و نحوه ارتقاء مسیر شغلی است اختیار ندارد خارج از چارچوب اصول شایستگی و فضای رقابتی اقدام به وضع مقرراتی نماید که طی آن برای بخشی از کارکنان دولت شامل زنان و جوانان به لحاظ جنسیت و یا سن، فراتر از مقررات قانون امتیاز خاصی در نظر گیرد و در مقابل برای انتصاب برخی از کارکنان شاغل دولت به جهات مذکور و علی‌رغم وجود شایستگی و داشتن شرایط قانونی برای انتصاب در سمت‌های مدیریتی ممنوعیت و محدودیت ایجاد کند. بنابراین، مصوبه مورد شکایت به جهت تبعیض‌آمیز بودن و مغایرت با قانون مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.»

«تبعیض‌آمیز بودن» استدلالی که تنها مورد استفاده آن در جمهوری اسلامی، آرای دیوان عدالت اداری است تا براساس این عنوان به گفته خود عدالت را تامین کند. اما این بار عنوان تبعیض‌آمیز برای موضوعی به کار رفت که خود تلاشی بود برای رفع تبعیض.

از موضوعاتی که حسن روحانی در همان روزهای آغاز

امتیاز نخواهد بود و دولت جمهوری اسلامی ایران، طبق بند ۹ اصل سوم، موظف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی است و همچنین طبق اصل ۲۸ موظف به ایجاد مکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل برای همه افراد است.»

### تبعیض در قانون اساسی ایران

استناد موافقان ابطال این مصوبه به قانون اساسی جمهوری اسلامی باب جدید از توجه به تبعیض سازمان‌یافته در این قانون را باز می‌کند. با این که قانون اساسی ایران در ظاهر تامین آزادی‌های مشروع، عدالت، برابری و رفع تبعیض از آحاد مردم را در بخشهایی از اصول سوم، نوزدهم و بیستم پذیرفته است، اما همه حقوق ناشی از این قانون موکول به رعایت و پیروی از مذهب رسمی کشور یعنی شیعه ۱۲ امامی شده است.

ضرورت انطباق همه قوانین با مقررات اسلامی که در **«اصل چهارم قانون اساسی»** مطرح شده و تاکید بر اشتراک زبان و خط فارسی در **«اصل ۱۵ قانون اساسی»** جامعه ایران را با تبعیض‌ها و نابرابری‌های مختلفی از جمله تبعیض مذهبی، قومی و در صدر همه تبعیض جنسیتی روبرو ساخته است.

### تبعیض جنسیتی

مهم‌ترین نمود تبعیض جنسیتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی **«اصل ۱۱۵»** این قانون است، که براساس آن «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدیر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

در این اصل نه تنها تبعیض علیه اقلیت‌های مذهبی اعمال شده بلکه با استفاده از تعبیر «رجال مذهبی و سیاسی» نیمی از جمعیت کشور را از حق رئیس‌جمهور شدن محروم کرده است. با این که در سال‌های گذشته بحث‌های حقوقی زیادی در مورد تفسیر اصطلاح رجال سیاسی مطرح شده اما در عمل تاکنون هیچ زنی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری از سد شورای نگهبان نگذشته است.

مهرانگیز کار حقوقدان ساکن آمریکا اولین تبعیض جنسیتی اعمال شده علیه زنان را طرح حجاب اجباری برای زنان

با این ابلاغیه به منظور آنچه «بهره‌گیری از ظرفیت زنان و جوانان توانمند کشور برای تصدی پست‌های مدیریتی» خوانده شده، شش تبصره به دو ماده از مصوبه تیرماه سال پیش هیئت وزیران در مورد این موضوع افزوده شده است. در یکی از این تبصره‌ها آمده است: «میزان تجربه مورد نیاز برای تصدی هر یک از سطوح مدیریت حرفه‌ای (از تجربه خدمت دولتی) در مورد زنان و کارمندان کمتر از ۱۵ سال سابقه در مواردی که سایر شرایط احراز شده باشد، به دوسوم زمان پیش‌بینی‌شده توسط شورای راهبری توسعه مدیریت دستگاه تقلیل می‌یابد.»

مطابق تبصره دیگری که به ماده ۲ مصوبه سال پیش افزوده شده، زنان و جوانان شاغل در دستگاه‌های اجرایی می‌توانند با ارائه اقدامات علمی و پژوهشی خود در زمینه موضوع‌های مدیریتی یا درباره حوزه‌های تخصصی عملکرد دستگاهی که در آن اشتغال دارند از امتیازهای ویژه‌ای برای تصدی پست‌های مدیریتی برخوردار شوند.

در تبصره بعدی آمده است: «تا پایان برنامه ششم توسعه نسبت مدیران زن در پست‌های مدیریتی به ۳۰ درصد افزایش یابد. سهم هر یک از دستگاه‌های اجرایی برای انتصاب مدیران زن با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های هر دستگاه، توسط سازمان اداری و استخدامی کشور و با هماهنگی دستگاه اجرایی ذی‌ربط تعیین و ابلاغ خواهد شد.»

اما تنها چند ماه مانده به پایان دوره ریاست جمهوری حسن روحانی دیوان عدالت اداری این مصوبه را باطل کرد، اقدامی که مورد تشویق و تایید محافظه‌کاران قرار گرفت.

محمدحمید شهریور، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه امام صادق رای دیوان عدالت اداری را **«علیه تبعیض وارونه»** دانسته و می‌نویسد: «اما آیا به راستی لغو یک امتیاز ویژه و برقراری برابری بین متقاضیان بدون توجه به جنسیت آنها، به معنای مخالفت حضور زنان است؟ نفی اولویت زنان، به معنای اثبات اولویت مردان نیست، بلکه به منظور برقراری برابری بین آنهاست. همانطور که مشاهده شد در قوانین استخدامی جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه برتری از حیث جنسیت دیده نمی‌شود. همچنین طبق اصل ۲۰ قانون اساسی، همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و طبق اصل ۱۹ تمامی مردم ایران از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب

1. <https://bit.ly/36lQMaH>

2. <https://bit.ly/3fRsqIV>
3. <https://bit.ly/2IqhBS8>

در همان روزهای اول پس از انقلاب می‌داند و می‌نویسد:

«برای زنان ایران حق انتخاب پوشاک وجود ندارد. همه زنان، مسلمان و غیرمسلمان مجبور به مراعات قوانین و سلیقه‌های ناظر بر حجاب اسلامی هستند. مجازات کسانی که این قوانین را مراعات نمی‌کنند حبس یا پرداخت جریمه نقدی است. تا چند سال پیش مجازات بی‌حجابی شلاق یا جریمه نقدی بود. اگرچه حجاب همواره در فرهنگ ایرانی یک پوشش ملایم تعریف شده است، اما مجریان قانون حجاب مدت سی سال است تعریف اغراق‌آمیزی از آن ارائه می‌دهند و پلیس زنان را به جرم «بدحجابی» دستگیر می‌کند. در قوانین جزایی ایران تعریف خاصی از بدحجابی وجود ندارد، حال آن که زنان پیاپی دستگیر و به استناد ارتکاب جرم بدحجابی مجازات می‌شوند. به این ترتیب نه تنها حجاب اجباری به تنهایی محدود کننده است و با مبانی حقوق بشر در تعارض است، بلکه پلیس هم بدون ترس از پاسخ‌گویی هرطور که دلش می‌خواهد یا رؤسایش دستور می‌دهند، بر درجه‌ی فشار و اجبار می‌افزاید. متأسفانه قضاتی که همسو با برداشت‌های شخصی از حجاب داوری می‌کنند، زندگی را بر زنان ایرانی بسیار دشوار ساخته‌اند.»

### تبعیض علیه اقلیت‌های مذهبی

براساس **اصل دوازدهم قانون اساسی** «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.»

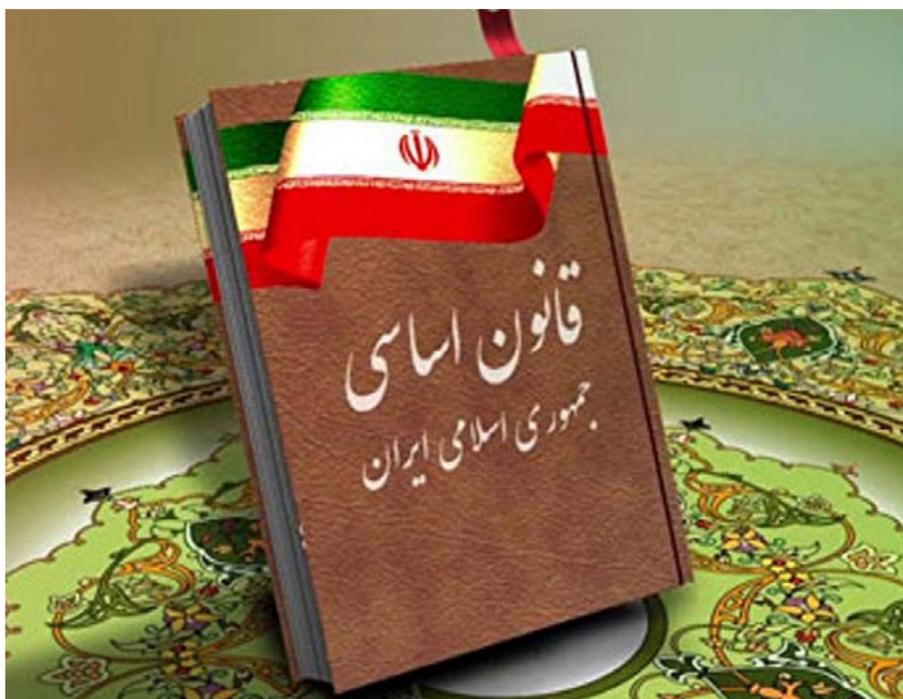
**اصل سیزدهم قانون اساسی** نیز ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی را «تنها اقلیت‌های دینی» شناخته و تأکید کرده که «در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و» در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل

1. <https://bit.ly/3fS3ukw>

2. <https://bit.ly/3fPQH23>

3. <https://bit.ly/33rLChe>

4. <https://bit.ly/3fRR2la>



منطبق نیست.»

او می‌افزاید: «ساختار حقوقی و حقیقی که در طی این نزدیک چهار سال در جمهوری اسلامی به اجرا درآمده، ساختاری کاملاً تبعیض‌آمیز بین ادیان و جنس زن و مرد است و باید برای از میان برد این تبعیض، تغییری اساسی در آن به وجود بیاید. من همان روزهای قبل از انجام فراندوم قانون اساسی در سال ۵۸ بارها این تذکر را دادم که این قانون اساسی نه با موازین حقوق بشر سازگار است و نه با اصول دموکراسی.» این حقوق‌دان در پاسخ به این پرسش که «در چارچوب همین قانون اساسی اگر بخواهید تغییراتی را برای از میان رفتن یا کمرنگ‌تر شدن تبعیض جنسیتی و مذهبی میان مردم پیشنهاد بدهید چه پیشنهادهایی خواهید داشت؟» تأکید می‌کند: «یکی از مشکلات بزرگ این است که به دلیل غیر دمکراتیک بودن قانون اساسی، تغییر آن منوط به خواست و اراده ولی مطلق فقیه است.»

لاهیجی می‌گوید: «بعد از موافقت ولی مطلق فقیه با تغییر قانون اساسی باید دید مجلسی که به بازنگری این اصول می‌پردازد، تا چه حد اختیار دارد. اگر اختیارات این مجلس کامل بود باید در درجه اول، اصل ولایت فقیه را به کل از این قانون حذف کنند. در درجه دوم باید جمهوری اسلامی یک جمهوری عرفی شود و تمام مشروعیت این نظام بر پایه رأی مردم شود.»

محلی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد دانسته است، تا کنون شاهد اجرای همین میزان ناچیز نیز نبوده ایم و علیرغم اینکه اصل ۱۵ قانون اساسی تأمین کننده حقوق گروه‌های اقلیتی نمی‌باشد، در حد ناقص همین اصل نیز تاکنون غیر فارسی زبانان اجازه استفاده از زبان بومی خود در مدارس بدست نیاورده‌اند.»

### تغییر قانون اساسی، بن‌بستی در برابر همه

راه حل چیست؟ آیا می‌توان با ایجاد تغییراتی در قانونی اساسی مبانی تبعیض را از آن زدود؟ عبدالکریم لاهیجی، حقوق‌دان ساکن فرانسه به مجله حقوق ما این طور پاسخ داده است: «اجتهاد در برابر نص مردود است. نص قانون اساسی تبعیض‌آمیز است. حتی میان خود شیعیان با دیگر مذاهب اسلامی هم ما در جمهوری اسلامی تبعیض‌های فراوانی می‌بینیم. تمام مسوولان جمهوری اسلامی از بالا تا پایین باید شیعه باشند و حتی به ولایت فقیه هم معتقد باشند. اگر نگوییم همه، در بخش بزرگی از پست‌های مدیریتی این نظام، معتقدان به مذهب سنی نمی‌توانند وارد شوند.»

بنابراین این بحث که می‌توان از دل همین قانون اساسی و با اصلاحاتی جزئی، یک ساختار غیر تبعیض‌آمیز بیرون کشید یک «اجتهاد خلاف نص» است و به هیچ وجه با قانون اساسی

1. <https://iranhr.net/fa/articles/3155/>

## تبعیض اتنیکی ناشی از تبعیض مذهبی در قانون اساسی است



علی‌اصغر فریدی

ایران از لحاظ بافت جمعیتی کشوری است که ساکنان آن با زبان‌های متفاوت و گوناگونی تکلم می‌کنند. هر بخشی از آن فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوتی وجود دارد. علاوه بر پیروان ادیان ابراهیمی، پیروان مذاهب و آئین‌های باستانی دیگری نیز از دیرباز در ایران سکنی گزیده‌اند.

این گوناگونی زبانی، دینی و اتنیکی، با تبعیض‌هایی هم همراه بوده و هست. مجله حقوق ما در مورد تبعیض اتنیکی در قانون اساسی ایران با صالح نیکبخت، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری، گفت‌وگو کرده است.

### حقوق ما: آیا در قوانین ایران تبعیض اتنیکی وجود دارد؟

تبعیض در ایران دارای پیشینه‌ای طولانی است. بر خلاف آنچه که طرفداران حکومت سابق ادعا می‌کنند و می‌گویند که حکومت سابق تمام آنچه را که برای پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لازم بود را فراهم کرده بود، این هم ادعایی غیرواقعی است. لازمه پیشرفت در تمام زمینه‌های سیاسی و اجتماعی در یک جامعه، برخورداری رسانه‌ها از آزادی بیان است و لازمه پیشرفت تحمل شنیدن صدای مخالفان است، موضوعی که آن زمان هم محلی از اعراب نداشت.

من در دهه پنجاه شمسی در یکی از بزرگترین روزنامه آن زمان یعنی روزنامه کیهان، در بخش شهرستان‌ها کار می‌کردم. به صورت جانبی هم مطالبی را در قالب گزارش و مقاله برای روزنامه

می‌نوشتم. در آن زمان در بایگانی بخش شهرستان‌های روزنامه کیهان، فایل‌های (پوشه) بزرگی وجود داشت که روی آنها نوشته شده بود «مطالب غیرقابل انتشار». این مطالب غیرقابل چاپ دارای محتواهای گوناگونی از مسائل سیاسی، اجتماعی، دینی و مذهبی را شامل می‌شد.

می‌توانم بگویم که در زمان حکومت سابق با چارچوب‌هایی که ساواک برای فعالیت احزاب تعیین کرده بود، عملاً راه را بر هر فعالیت سیاسی بسته بود و مملکت فاقد هرگونه آزادی سیاسی و فکری بود. فشارها و جو خفقان آن زمان زمینه اعتراضات را فراهم کرد و در خلال سال‌های ۵۶ و ۵۷ مردم ایران از هر ملت و زبان و دین و آئینی علیه حاکمیت به تظاهرات پرداخته و در نهایت توانستند حکومت را ساقط کنند.

ایران کشوری کثیرالمله است و در اعتراضات سال‌های ۵۶ و ۵۷ تمامی ملیت‌های ساکن در این جغرافیا شرکت داشتند. ملیت‌های ساکن در جغرافیای ایران شامل کردها، عرب‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها و آذری‌ها به همراه فارس‌ها در آن قیام شریک بودند که در نهایت به انقلاب ۵۷ منجر شد. انقلابی که رهبری آن به دست مقامات مذهبی افتاد.

مقامات مذهبی هم در آن زمان، یعنی پس از انقلاب ۵۷ از طرح مسائلی که ممکن بود موجب اختلاف بشود و به ضرر آنها باشد، پرهیز می‌کردند. رهبران آن همیشه اعلام می‌کردند که در ایران هیچ یک از اقوام با دیگری فرق ندارد و بر مبنای ایدئولوژی مذهبی به ویژه آنچه که در مذهب شیعه وجود دارد، رهبری و ایدئولوژی

انقلاب را هدایت می‌کردند.

رهبران مذهبی انقلاب ۵۷ همیشه می‌گفتند که در اسلام هیچ قوم و قبیله و طایفه‌ای با هم فرقی ندارند و هیچ ملتی بر دیگری برتری ندارد و بهترین افراد کسانی هستند که پرهیزکارتر باشند. البته ما عملاً دیدیم کسانی که به عنوان پرهیزکار معرفی شدند و پست‌ها و مقامات مختلفی را به آنها واگذار کردند، در سال‌های اخیر چگونه اموال مردم و ثروت مملکت را غارت و به خارج از کشور فرار کردند. به هر حال، پس از انقلاب ۵۷ که به سرنگونی نظام پادشاهی انجامید، رهبران انقلاب با اعلام برابری همه اقوام و ملیت‌های ساکن در ایران، نظام حاکم را جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند و به حاکمیت خود صفت «مقدس» را اضافه کردند. پس در هرگونه مخالفتی با نظام، جنبه تقدس آن را هم در نظر می‌گیرند و برای آن هم مجازاتی را تعیین می‌کنند.

بنابراین در آغاز مسئله اتنیکی، قومی و ملی در مسئله انقلاب ایران وجود نداشت و همانطور که قبلاً اشاره کردم، بیشتر صحبت از این بود که ما همه مسلمان هستیم و حتی برای پیروان ادیان دیگر از جمله زرتشتی، مسیحی و کلیمی هم حق و حقوقی را در نظر گرفتند. این مسئله باعث شد که مسائل و موضوعات اتنیکی کمتر مطرح بشود. وقتی هم که قرار شد قانون اساسی برای ایران نوشته و توسط مجلس موسسان به تصویب برسد، از تشکیل مجلس موسسان و تصویب قانون اساسی توسط این مجلس جلوگیری به عمل آمد.

### قانون اساسی چگونه به تصویب رسید و چه نوع تبعیض یا تبعیض‌هایی در آن لحاظ شده و این تبعیض‌ها در چه زمینه یا زمینه‌هایی است؟

ابتدا باید به این موضوع اشاره بکنم که مرحوم مهندس سحابی در یکی از اظهاراتش در مجله نهضت آزادی یعنی ایران فردا گفته بود، وقتی ما به آقای رفسنجانی گفتیم که قرار بوده مجلس موسسان، قانون اساسی را به تصویب برساند، ایشان در جواب گفت مبادا چنین کاری را بکنید، چون تعداد زیادی از روحانیون وارد مجلس موسسان خواهند شد و قطعاً مسائل مذهبی و اعتقادی را مطرح خواهند کرد و این وحدتی را که ما الان داریم از بین خواهد رفت. بگذارید ما این مسئله قانون اساسی را بر اساس پیش‌نویس‌هایی که توسط حقوق‌دان‌های برجسته‌ای همچون دکتر کاتوزیان و دکتر جعفری و دیگران آماده شده تنظیم بکنیم. به هر حال همان حرف آقای رفسنجانی انگار وحی منزل بود و همان هم شد و مجلس خبرگان که اکثریت مطلق آن یعنی نزدیک به ۹۰ درصدش را روحانیون تشکیل می‌دادند مسئول تصویب قانون اساسی شد.

مجلس خبرگان تصویب کننده قانون اساسی که حدود ۹۰ درصد آنها را روحانیون تشکیل می‌دادند، اشخاصی از مناطق مختلف

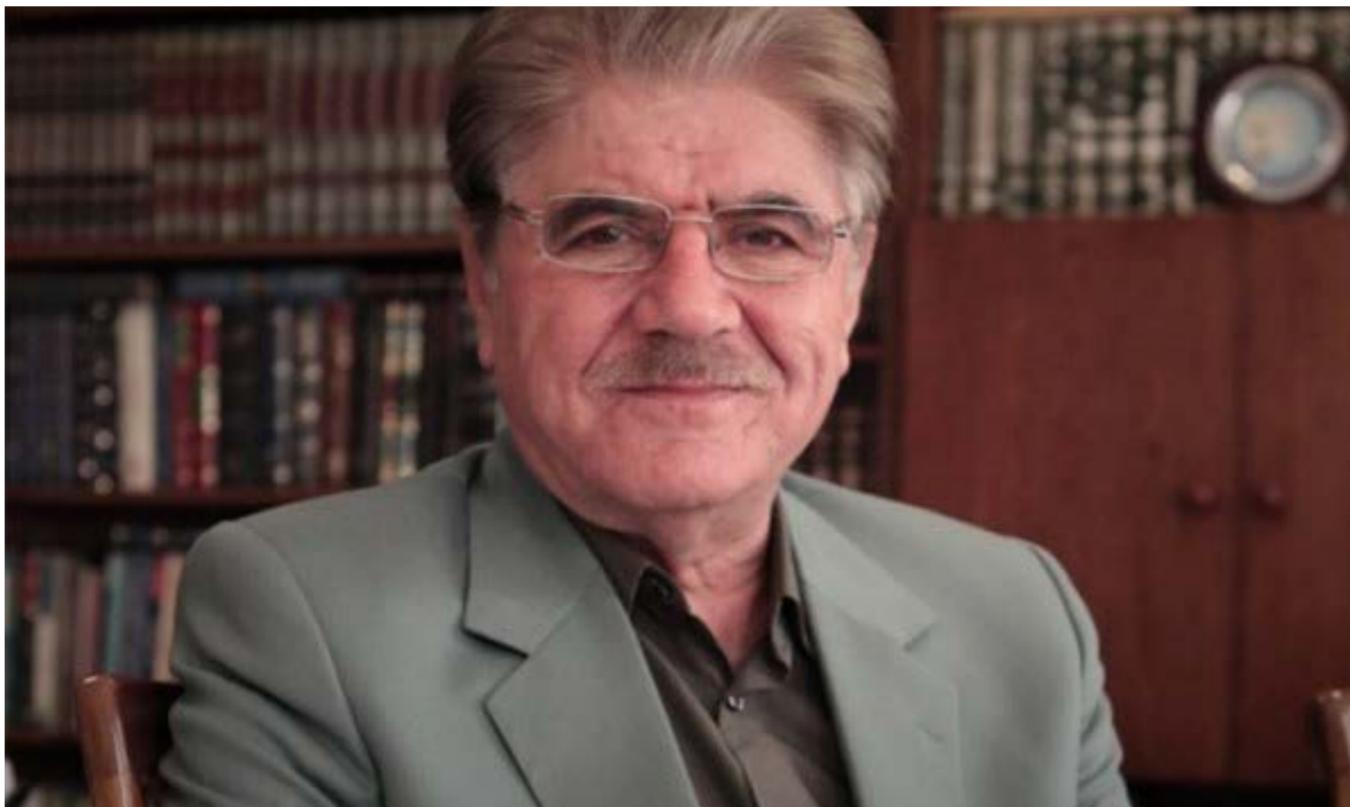
ایران بودند که از لحاظ فکری و عقیدتی عمدتاً از پیروان آیت‌الله خمینی بودند. ریاست این مجلس را هم آیت‌الله منتظری به عهده داشت. از آنجایی که آیت‌الله منتظری به لحاظ شخصیتی دارای صبغه آزادیخواهی بود، ریاست مجلس خبرگان تصویب کننده قانون اساسی را به آیت‌الله بهشتی که فردی سخنور و مسلط به مسائل گوناگون بود واگذار کرد تا اداره جلسات را بر عهده بگیرد. تنها زمانی که بحث جلسه به موضوع اصل ولایت فقیه که توسط آیت‌الله خمینی مطرح شده بود، رسید، آقای منتظری خودش شخصاً ریاست جلسه را به عهده گرفت.

در واقع اعضای تاثیرگذار مجلس خبرگان تصویب کننده قانون اساسی، در رابطه با مسائل مختلف، تمام اطراف و اکناف قضیه را رعایت می‌کردند تا هیچ موضوعی که باعث اختلاف بشود، به وجود نیاید. به همین دلیل وقتی قانون اساسی ایران را تصویب کردند، آن را بر مبنای نژاد و ملیت و قوم و قبیله تصویب نکردند، بلکه آن را بر اساس اعتقادات و مسائل اعتقادی، دینی و مذهبی مطرح کردند، موضوعی که به طور ثانویه تبعیض اتنیکی ملیت‌های مختلف ساکن در جغرافیای ایران را به دنبال داشت.

همانطور که گفتم در زمان تصویب قانون اساسی، به مسئله اتنیکی هیچ توجهی نشد و بیشتر توجه مجلس خبرگان بر اتحاد حول مسائل مذهبی و مبنای دینی بود. مثلاً در اصل ۱۹ قانون اساسی بدون اینکه هیچ گونه تبعیضی قائل بشود، آمده است «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» هرچند در این قانون آنها ملیت را قبول ندارند و به جای آن از کلمه قوم استفاده کرده‌اند، به هر حال این اصل از قانون می‌تواند اصل مهمی باشد در راستای برابری و عدالت همگانی. اما در اصل ۲۰ همین قانون بلافاصله آمده است که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» در این اصل از قانون، قید موازین اسلامی که به کار برده شده، موازین اسلامی عملاً فرق قائل می‌شود بر حقوقی که مسلمانان دارند با غیر مسلمانان و سایر ادیان پذیرفته شده در قانون اساسی یعنی زرتشتی، مسیحی و کلیمی.

کلمه موازین اسلامی آمده شده در اصل ۲۰ قانون اساسی، علاوه بر تبعیض علیه ادیان پذیرفته شده در قانون اساسی، سایر ادیان دیگر از جمله پیروان آئین بهائیت و ... و حقوقی که برای مسلمانان پذیرفته شده، به غیرمسلمانان تعلق نمی‌گیرد.

**منظور از موازین اسلامی که در اصل ۲۰ قانون اساسی آمده، کدام شاخه از اسلام است و آیا مبنای اعتقادی اهل سنت را هم شامل می‌شود؟**



که دو وزیر کرد یعنی دکتر ابراهیم یونسی، نویسنده، مترجم و تاریخدان شناخته شده ایران که مدتی استاندار کردستان هم بود و آقای شکبیا از قضات شریف اهل سنندج، تا کنون حتی هیچ استاندار کردی که غیر شیعه باشد نداشته‌ایم. تا کنون در اغلب مناطق سنی‌نشین چه در بلوچستان، چه در منطقه گرگان و گنبد یعنی ترکمن صحرا و چه در سایر مناطق سنی‌نشین ایران هیچ استاندار بومی از پیروان اهل تسنن نداشته‌ایم.

در واقع تبعیض اتنیکی را از طریق مبنا قرار دادن مبانی مذهبی در قانون اساسی، اعمال کرده‌اند. یعنی تبعیض اتنیکی از طریق تبعیض مذهبی و مبنا قرار دادن مذهب جعفری اثنی‌عشری در قانون اساسی بر ملیت‌های دیگر اعمال شده است.

### آیا در قانون اساسی زبان و فرهنگ اتنیک‌های مختلف در ایران مورد توجه قرار گرفته است؟

همانطور که قبلا هم گفتم ایران یک کشور کثیرالملله است و حداقل پنج ملیت با زبان‌های مختلف در آن ساکن هستند و به غیر از کردها و بلوچ‌ها زبان عرب‌ها، ترکمن‌ها آذری‌های ساکن در ایران زبانی کاملا متفاوت از زبان‌های هند و اروپایی است و هیچ قرابتی با زبان فارسی که در قانون اساسی به عنوان زبان رسمی و مشترک مردم ایران از آن نام برده شده، ندارند.

در رابطه با زبان اتنیکی‌های ایران در اصل ۱۵ قانون اساسی آمده است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.» اما علیرغم تاکید بر آموزش زبان اتنیک‌های دیگر، که البته از آن به عنوان زبان محلی نام برده شده، در مدارس در کنار زبان فارسی، نه تنها در طول بیش از چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی، هیچ اقدامی صورت نگرفته و اجازه تدریس زبان‌های کردی، آذری، بلوچی، ترکمنی داده نشده، بلکه تلاش شده که این زبان‌ها به فراموشی سپرده شود. این تبعیض بسیار بزرگی است که در حق زبان جمعیت انبوهی از ساکنان ایران روا داشته شده.

برخلاف کشور ما در بسیاری از کشورهای دنیا، حتی تلاش می‌کنند اگر اقلیت مهاجری در کشورشان ساکن هستند، برای اینکه زبان مادری این اقلیت از بین نرود، زمینه‌هایی را فراهم می‌کنند تا زبان آنها به کودکان آن اقلیت مهاجر بیاموزند. این در حالی است که کشور ما نه تنها زبان اقلیت‌ها را توسعه نمی‌دهند بلکه با تمام توان کمر به نابودی آن بسته‌اند و آنها را از حیز انتفاع و استفاده خارج می‌کنند.

همچنین در نظر نمی‌گیرد که مسلمان است یا یهودی است یا لائیک است.

برخلاف کشورهای دمکرات و کشورهای دارای قوانین مدرن در کشور ما در طول ۴۱ سال گذشته علاوه بر رئیس‌جمهور که بنا به قانون اساسی حتما باید شیعه جعفری اثنی‌عشری باشد، وزیران دولت نیز همگی پیرو مذهب حاکم بوده‌اند. اینجا مسئله ملیت مطرح نشده و اگر شخصی عرب یا بلوچ یا کرد باشد، اگر مذهبش شیعه باشد، عرب، بلوچ و یا کرد بودنش مطرح نیست و می‌تواند به وزارت برسد.

در رابطه با مسئله کردها، در گذشته شاید یک کرد شیعه مذهب می‌توانست به مقام اداری و اجرایی در سطوح بالای برسد اما در سال‌های اخیر حتی کردهای شیعه مذهب هم با محدودیت مواجهه شده‌اند. هرچند در حال حاضر برخی از کردهای اهل کرمانشاه جزو وزرای دولت هستند، اما محدودیت‌های مدیریتی سطوح بالای اداره کشور دامن کردهای شیعه مذهب را هم گرفته و تنها کسانی به این مقام‌ها دست پیدا می‌کنند که قبلا ضدیت خود را با مسئله‌ای به نام کرد به اثبات رسانده باشند.

تبعیض‌های مذهبی که در قانون اساسی ایران آمده، باعث شده که نه تنها در سطوح مدیریتی بالا و وزارتخانه‌ها، بلکه ما حتی هیچ معاون وزیری که از بلوچ‌ها، کردها، ترکمن‌ها و سایر ملیت‌های غیرشیعه باشد نداریم.

علاوه بر این به جز در سال اول انقلاب و در دوره آقای بازرگان

### آیا در قانون اساسی ایران از لحاظ اتنیکی تبعیض وجود دارد؟

در قانون اساسی چون بر اساس اتنیک و قومیت و ملیت نوشته نشده، از لحاظ قانونی قاعدتا تبعیضی وجود ندارد. اما چون ایران کشوری کثیرالملله است و از طرفی ادیان و مذاهب مختلفی است و قانون را بر اساس مذهب نوشته‌اند، ملیت‌هایی مانند بخشی از کردها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها که دارای مذهبی غیر از مذهب رسمی کشور یعنی شیعه جعفری اثنی‌عشری هستند، مورد تبعیض قرار گرفته‌اند.

وقتی در اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی می‌گوید که «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند»، خب یکی از این حقوق اداره امور مملکت است. در کشورهای دارای سیستم عادلانه و دمکرات، حقوق اداره مملکت بر مبنای اعتقادات افراد سنجیده نمی‌شود، بلکه بر مبنای توان، تخصص و اعتبار و اعتماد افراد است. به عنوان نمونه در کشوری مثل آلمان، وقتی خانم مرکل هیات دولت را معرفی می‌کند، این موضوع را در نظر نمی‌گیرد که این وزیر مسیحی است یا نه و اگر مسیحی است آیا کاتولیک است، پروتستان است یا ارتودوکس،

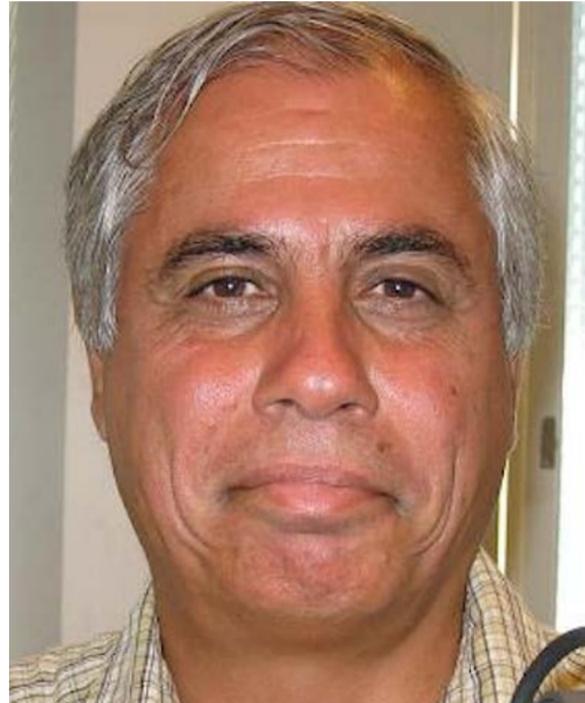
مسلمانان دو دسته هستند. یک دسته کسانی هستند که زبانا شهادتین را جاری کرده و شهادت داده‌اند که خدا یکی است و پیامبر آنها هم محمد است. دسته دیگر که پیروان مذهب شیعه هستند، علاوه بر شهادتین، اصل دیگری هم وجود دارد و آن اصل «تولی و تبری» است، یعنی شما باید ولایت علی‌ابن ابیطالب را قبول داشته و تبری بجوئید از تمام کسانی که این امر را قبول ندارند. به همین دلیل همینجا نطفه اختلاف و تبعیض بین شیعه و سنی هم به وجود آمده است.

با این حال، علیرغم این اختلاف دینی و مذهبی که وجود دارد، در فصل اول قانون اساسی ایران که تحت عنوان اصول کلی مطرح شده، چند اصل اساسی آمده با عنوان اصول ایدئولوژیک که اصل اول و دوم آن در مورد اعتقادات است و در آن اعتقاد به خدا و دین اسلام مطرح شده، بدون اینکه مطرح بشود که منظور از دین اسلام اعتقادی است که سنی‌ها دارند یا اعتقادی که شیعه‌ها.

جالب اینجا است که با توجه به اینکه اصل سوم قانون اساسی در بند ۹ بر رفع تبعیض و ایجاد امکانات عادلانه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تاکید می‌کند و در بند ۱۴ همین اصل از تامین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون می‌گوید، در اصل ۱۲، دین رسمی ایران را، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری اعلام می‌کند و آن را اصلی، الی الابد غیرقابل تغییر می‌داند. یعنی اگر اختلافی به وجود بیاید، معیار آن چیزی است که در مذهب جعفری اثنی‌عشری آمده باید معیار قرار بگیرد.

در اصل ۱۲ قانون اساسی آمده است «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.»

در اینجا در رابطه به سایر ادیان و مذاهب دیگر اسلامی، به اصطلاح حقوق‌دان‌ها، تخصیص داده شده است. یعنی این مذاهب در انجام مراسم مذهبی یعنی نماز خواندن، روزه گرفتن، حج رفتن و ... طبق مذهب خودشان آزاد هستند و احوال شخصیه هم که عبارت است از ازدواج و طلاق و ارث و ... موضوعی است که در تمام دنیا وجود دارد، اما در سایر موارد باید تمام امور از جمله اداره امور کشور بر اساس قوانینی باشد که بر مبنای مذهب جعفری است و عنوان هم شده که تا ابدالدهر هم غیر قابل تغییر است.



## تبعیض طبقاتی، حاصل همه تبعیض‌های قانونی در جمهوری اسلامی

### سروناز رستگار

با درآمد و چگونگی مصرفشان تعیین می‌شود- طبیعی است که این امکانات یعنی فرصت‌های شغلی، آموزشی و نیز بهداشت و درمان، با جایگاهی که فرد در قشر بندی اجتماعی دارد، تعیین می‌شود. متغیرهای بنیادی نخستین، عواملی هستند که فرد در هنگام تولد و اجتماعی شدن خود را در چارچوب خانواده با آن روبه‌رو می‌شود. نابرابری اقتصادی، سیاسی، حقوقی و منزلت اجتماعی از آن جمله است. همزمان با تعلق فرد به یک خانواده معین تعلق نژادی، قومی، دینی سهم او در منابع سیاسی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی او نیز تعریف می‌شود. جنسیت فرد، نیز در این فرایند نقش دارد. همین تعلقات است که میزان و کیفیت دسترسی فرد به خدمات عمومی- یعنی متغیر ثانوی خدمات اجتماعی- یعنی خدماتی همچون خدمات بهداشتی، پرورشی، آموزشی، ارتباطی فرد با دیگران و تجربه اجتماعی و اطلاعات او از پیرامونش را تعیین می‌کند. بدین ترتیب شخصیت فرد شکل گرفته و زمینه‌ساز پیدایش قابلیت و توانمندی فردی- اجتماعی خاصی برای فرد است. باید توجه داشت وقتی که ما از قشر بندی صحبت می‌کنیم، در سطوح متفاوتی روی درآمد، مصرف، کیفیت و سطح زندگی تاثیر می‌گذارد. ما در عرصه جمعیت‌شناسی و یا حتی جغرافیا هم این را می‌بینیم. یعنی اگر نگاهی به شمال و جنوب تهران بیندازیم، تفاوت سطح و کیفیت زندگی را می‌شود دید. این نابرابری در سطح درآمد و مصرف مشخص است و خیلی انتزاعی‌تر به شکل نابرابری در فرصت‌ها و دسترسی به آموزش و پرورش و درمان و تامین اجتماعی بر کیفیت و سطح زندگی تاثیر می‌گذارد.

تبعیض‌های جنسیتی، مذهبی و قومی چنان در هم تنیده و بر هم پیچیده‌اند که ریسمان اتصال انواع تبعیض‌های حاکم بر جامعه ایران را تشکیل می‌دهند؛ از جمله مهم‌ترین آنها تبعیض طبقاتی یا نابرابری اقتصادی است که به «تفاوت موجود در معیارهای مختلف از نظر رفاه اقتصادی در میان افراد یک گروه، در میان گروه‌های موجود در یک جمعیت، یا در میان مردمان کشورها» اطلاق می‌شود. از نابرابری اقتصادی گاهی اوقات به نام نابرابری درآمد، نابرابری ثروت، یا شکاف ثروت یاد می‌شود. اقتصاددانان به‌طور کلی در نابرابری اقتصادی روی سه عامل ثروت، درآمد، و مصرف تمرکز می‌کنند و مواردی که تحت تاثیر تبعیض‌های گوناگون قرار می‌گیرند.

در گفت و گو با احمد علوی استاد اقتصاد در سوئد به بررسی تاثیر تبعیض‌ها بر نابرابری اقتصادی پرداختیم.

**آقای علوی اجازه بدهید از یک سوال ابتدایی آغاز کنیم. نابرابری اقتصادی در یک جامعه چگونه شکل می‌گیرد؟**

جامعه ایران، جامعه‌ای استثنایی نیست بلکه مثل هر جامعه دیگری، جامعه‌ای طبقاتی و دارای اقشار گوناگون است. در نتیجه درآمد و مصرف تعیین می‌کند که سطح زندگی افراد چگونه است و فرصت‌های آموزشی، پرورشی و همچنین فرصت بهداشتی و درمانی و یا فرصت بیمه‌ها و تامین اجتماعی چگونه است. زیرا در چنین جامعه‌ای- که می‌دانیم جامعه‌ای است که در آن سطح زندگی افراد

کند.

در نهایت مزیت‌های منزلتی و مذهبی، در قالب تصدی مناصب مذهبی مانند امامت جماعت در ادارات یا امامت جمعه و جماعت که دسترسی به رانت اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی و ارتباطی را امکان‌پذیر می‌کند.

به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از تبعیض‌هایی که در جامعه ایران دیده می‌شود، پایه قانونی دارد مانند تبعیض‌های جنسیتی، قومی و مذهبی که از قانون اساسی گرفته تا قوانین مدنی و کیفری رد پای آن را می‌توان یافت. آیا تبعیض طبقاتی هم دارای پایه‌های قانونی است؟

حتما همین‌طور است. همین موارد تبعیض جنسیتی، مذهب و تعلق قومی، بر برابری فرصت‌های آموزش، پرورش و تصدی مناصب و سایر امکاناتی که برای یک زندگی لازم است، تاثیر می‌گذارد. به عنوان مثال فردی که مذهبی غیر از مذهبی رسمی - شیعه- دارد، نمی‌تواند یک سری از مناصب را داشته باشد و به همین ترتیب وقتی نمی‌تواند مشاغلی مثل ریاست جمهوری، رهبری و بسیاری از مشاغل پایین‌تر را به دست آورد، مشخص است که بر سطح درآمد، مصرف و کیفیت زندگی او نیز تاثیر می‌گذارد.

در مورد مسایل جنسیتی هم این موضوع به شکل بارزی دیده می‌شود، آیا فرصت‌هایی که زنان و مردان در آموزش و پرورش، یا مشاغل در بازار کار و حتی بهداشت و درمان و تامین اجتماعی دارند، یکی است؟ از آنجایی که به خصوص در مورد جنسیت درآمد یکی نیست، طبیعتا فرصت‌ها برای زن و مرد یکسان نیست. در مورد قومیت‌های مختلف می‌دانیم که هم به لحاظ حیثیتی و منزلتی موثر است و بخشی از تبعیض‌هایی که می‌بینیم به شکل رسمی و قانونی اعمال می‌شود و در مواردی قانون وجود دارد اما آنچه در عمل رخ می‌دهد، تبعیض است که در جامعه جاری است. بنابراین این متغیرهایی که از آنها اسم بردید، جنسیت، قومیت و مذهب، قطعاً در فرصت‌ها و امکانات اجتماعی موثر است. مثلا در مورد آموزش و پرورش، تبعیض‌های جاری در مشاغلی که در آینده به افراد سپرده می‌شود تاثیر می‌گذارد. در مورد بهداشت و درمان، بر چگونگی سلامت جسمی افراد تاثیر می‌گذارد. حتی مساله منزلت اجتماعی، فردی که زن باشد، از یک قومیت باشد و مذهب دیگری داشته باشد، طبیعتا نه منزلت، نه درآمد و نه امکان استاندارد زندگی مشابه دارد با مرد شیعه‌ای که از نخبگان هرم طبقاتی موجود توصیف می‌شود.

در سال‌های گذشته نوک قله رانت‌های اقتصادی، در قالب پرونده‌های مفاسد اقتصادی افراد نزدیک به حاکمیت و افرادی که به آقازاده‌ها مشهور شده‌اند، دیده شد. آیا می‌توانیم این گروه‌ها را هم بخشی از این جامعه طبقاتی بدانیم؟

من پیش از این هم **نوشته‌ام**<sup>۱</sup> که لایه‌های بالای درآمدی جامعه

1. <https://www.radiofarda.com/a/mechanism-of->

در کنار این تبعیض‌ها، می‌توان به مزیت‌هایی که به نابرابری دامن می‌زنند هم اشاره کرد. مثلا مزیت اقتصادی، مزیتی است که در آن فعالیت‌های اقتصادی پر سود به صورت مجوز واردات یا صادرات و نیز به صورت صدور موافقت‌نامه‌های خاص به انحصار فرد، باندهای ذی نفوذ یا شبکه حامیان و مریدان یا باندها و لابی خاصی درمی‌آید. همچنین دسترسی به منابع بانکی و ارزی ارزان برای دریافت وام یا کارچاق کنی در مسیر دریافت وام به دیگران. در اختیار گرفتن رانت آموزشی و مدرک در مؤسسات آموزش عالی از دیگر مصداق‌های مزیت اقتصادی برای کسانی است که «خودی» تلقی می‌شوند. نیروهایی بسیجی و پاسدار که از این مسیر وارد نظام آموزشی می‌شوند به تدریج فرصت‌های شغلی را در دانشگاه‌ها و دیوانسالاری رژیم در اختیار می‌گیرند.

در کنار آن مزیت سیاسی، مزیتی است که در آن تقسیم موقعیت‌های سیاسی و شغلی نه بر اساس شایسته‌سالاری بلکه بر اساس حامی یا مریدپروری به یک مقام یا شبکه‌ای متشکل از مریدان و حامیان حکومت صورت می‌گیرد. جابه‌جایی «مینی‌بوسی» باندهای گوناگون رژیم در مؤسسات و ادارات بیان همین محفل‌بازی و باندبازی است. اعضای مجلس و نهادهای سیاسی حکومت از این مزیت استفاده می‌کنند.

مزیت اطلاعاتی یعنی مزیت دسترسی به اطلاعات اقتصادی یا سیاسی با ارزش در زمان خاص و استفاده از آن برای مقاصد شخصی، گروهی یا حزبی معین هم قابل توجه است. چنین اطلاعاتی دارای ارزش اقتصادی و سیاسی است و طبیعتاً می‌توان با مبادله آن به سودهای کلان دست یافت.

مزیت ارتباطی نیز در ترکیب با مزیت اطلاعاتی می‌تواند کارچاق کنی را مسیر نماید و راه پرپیچ و خم دیوانسالاری را کوتاه کند و موانع قانونی و غیر قانونی برای کسب امتیازات اقتصادی را برطرف

فعلی ایران اغلب ادامه طبقات ممتاز و بالای ایران در جامعه قبل از انقلاب نیستند. بلکه این طبقه اساساً «طبقه جدیدی» شامل روحانیون ولایی و هم‌پیمانان آن بازاریان سنتی، نظامیان و شبه‌نظامیان، تکنوکرات‌ها و دیوان‌سالاران و ... است که پس از تغییر حکومت به تدریج پس از سال ۵۷ شکل گرفته است. شکل‌گیری این طبقه با طبقات جدید نمی‌تواند بدون ارتباط با رانت مشارکت در اقتدار دولتی و یا سهم نابرابر در قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی توضیح داده شود.

در چارچوب نظام ولایت فقیه و قانون اساسی آن که بر تبعیض میان فقیه و فقیهان و مردم عادی، مسلمان و غیر مسلمان، زن و مرد، قومیت‌ها و همچنین شیعه ولایی و غیرولایی استوار است، قرار نیست برابری ایجاد شود.

در جامعه ایران بخصوص در شرایط فعلی می‌دانیم که مذهب نقش بسیار مهمی در توزیع فرصت‌ها از جمله فرصت‌های شغلی، درمانی و بهداشتی دارد و می‌بینیم حوزویان در این وضعیت سهم دارند. حوزویان بنا بر سنت تاریخی خود با پدیده آقازادگی مانوس بوده‌اند. در میان حوزویان پیش از این که به قدرت دست پیدا کنند، مناسبات آقازادگی جریان داشته و پس از این که حاکمیت به دست جمهوری اسلامی افتاد، نه تنها این ویژگی بارز شد بلکه عینیت و قابلیت مشاهده پیدا کرد. آقازاده‌ها حالا به عنوان گروهی که نخبه هستند (نخبه با این معنی که دسترسی خاص به منابع قدرت ثروت و منزلت اجتماعی دارند) از این فرصت‌ها استفاده می‌کنند و موقعیت برابری با افرادی که آقازاده نیستند، ندارند.

در **مقاله‌ای**<sup>۱</sup> که پیش از این منتشر شده نوشته‌ام موضوع آقازادگان در گذشته به علت اینکه حوزویان در حاشیه امنی قرار داشته و کمتر زیر ذره بین نظارت رسانه‌ها بودند، کمتر در معرض داوری عمومی قرار می‌گرفت.

با گسترش نفوذ سیاسی و منزلتی و همچنین اقتصادی حوزویان اما، «آقازادگی» به عرصه عمومی جامعه آمده و به الگوی سازماندهی و مدیریت حوزویان حاکم بدل شد. با برآمدن روح‌الله خمینی به قدرت، این بخش از فرهنگ حوزویان نیز به راه و رسم حکومتی تبدیل شد. فرزندان مراجع تقلید شیعه قم نظیر گلپایگانی، مصباح یزدی، جنتی، دوانی، نجفی مرعشی، خامنه‌ای، بهجت، لنکرانی، واعظ طبسی مهدوی کنی، رفسنجانی، لاریجانی، مفتاح، مطهری و سایرین همه آقازاده‌هایی هستند که وارث رانت و منابع اقتصادی، منزلتی و سیاسی پدرانشان هستند. مجموعه شبکه تو در توی «آقازاده‌ها» و پیوندهای سببی آن‌ها، الیگارش و خویش‌سالاری روحانیت شیعه را شکل می‌دهد. «آقازاده‌ها» با مرگ پدرانشان -به میزان استعداد خود- میراث آن‌ها اعم از دارائی و درآمد، شبکه روابط اجتماعی، توان رانت‌بری، منزلت و قدرت سیاسی را در اختیار می‌گیرند. البته میزان این ثروت با توجه به کارآمدی این

[production-of-inequality-and-discrimination-in-iran/29494378.html](https://production-of-inequality-and-discrimination-in-iran/29494378.html)

1. <https://www.radiofarda.com/a/iran-nepotism-source/28642249.html>

## قانونی بدون عدالت برای زنان

### سروناز رستگار

**ابطال**<sup>۱</sup> مصوبه سقف سنی و اولویت انتصاب زنان و جوانان در پست‌های مدیریتی، آب پاکی بود که دیوان عدالت اداری بر دستان زنانی ریخت که به بهبود وضعیت خود امید داشتند. زنانی که در کشوری با یکی از پایین‌ترین رده‌ها در جدول **شکاف جنسیتی**<sup>۲</sup>، همچنان چشم امید به تغییرات قانونی دارند تا شاید درهایی که فقه و شرع و قانون بر روی آنها بسته، باز شود. اما حالا دیوان عدالت اداری با «تبعیض آمیز» خواندن به کارگیری زنان و جوانان، باب جدیدی را در بررسی تبعیض در کشور باز کرده است؛ تبعیضی که به گفته مهتری جعفری، حقوقدان ساکن بریتانیا از اساس اشتباه درک شده است: «من فکر می‌کنم مشکلی که این رای دارد، عدم آگاهی از مفهوم تبعیض است. تبعیض یک کلمه و مفهوم مدرن است و با ساز و کارهای زندگی مدرن سر و کار دارد. در یک جامعه امروزی ما انتظار داریم انسان‌ها از حقوق برابر برخوردار باشند. ممکن است که در سابقه فقهی ما، عدالت سابقه طولانی داشته اما مفهوم عدالت و آنچه در مفهوم امروزی تبعیض می‌تواند با زندگی مدرن ما ادغام شود، برای حقوقدانان داخل ایران باید بازتعریف شود و به آنها دوباره تفهیم شود.»

به گفته مهتری جعفری «عدم تبعیض این است که گروه‌هایی که در جامعه به هر دلیلی به حاشیه رانده شده‌اند، از توازن قدرت برابر برخوردار نیستند و مورد ظلم واقع شده‌اند، بتوانند از حقوق برابر با افراد دیگری که یا در اکثریت هستند و یا در نسبت موازنه قدرت دست بالاتر را دارند، برخوردار شوند.»

موضوع عدم درک حقوقدانان و قانون‌گذاران از در مفهوم

1. <https://shenasname.ir/subjects/modiran/7529-dad936>

2. <http://www.tccim.ir/Images/Docs/1080.pdf>

«تبعیض» هم فراتر رفته است، کامبیز نوروزی حقوقدان ساکن تهران **نوشته است**<sup>۳</sup> که نه تنها تبعیض بلکه مفهوم عدالت نیز باید بار دیگر تبیین شود: «در مفهوم «عدالت جنسیتی» این عبارت ساده در ساخت حقوقی کشور باید تعبیر و تفسیر شود و در این صورت به این معناست که در چارچوب قوانین کشور و موازین اسلام جنسیت نمی‌تواند فی‌نفسه موجب برتری و رجحان افراد نسبت به یکدیگر شود. حقوق اشخاص ماکول و وابسته به شرایطی است که در هر موقعیت دارند. تفاوت‌ها الزاما به معنای تبعیض و بی‌عدالتی محسوب نمی‌شوند.

این مفهوم، چنانکه گفته شد در ساخت حقوقی کشور باید فهم شود. مثلا جنسیت به خودی خود نمی‌تواند باعث محرومیت از تحصیل در رشته‌ای خاص یا مشاغل خاص برای زن یا مرد باشد. این تفسیر، عینا مطابق است با آنچه قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل بیستم مقرر کرده است. در این اصل می‌خوانیم که «همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» مفهوم این اصل آن است که تفاوت جنسیتی با رعایت موازین اسلام موجب تبعیض میان افراد نیست. این دقیقا مرادف معنای عدالت جنسیتی در ساخت حقوق اساسی جمهوری اسلامی است.»

درک مفهوم تبعیض در شرایطی برای قانون‌گذاران ایران دشوار است که تبعیض جنسیتی رایج‌ترین، عمیق‌ترین و گسترده‌ترین تبعیض علیه گروهی از انسان‌ها در تاریخ بشری است؛ گروهی که نیمی از جامعه بشری را تشکیل می‌دهد. در این میان صدیقه و سمنی اسلام‌شناس تبعیض قانونی علیه

3. <https://fa.shafaqna.com/news/224114/>

زنان را حاصل تلاش فقیهان مسلمان می‌داند و می‌نویسد: «فقه اسلامی در طول بیش از دوازده قرن کوشیده است تا تبعیض علیه زنان را تئوریزه و این سنت تاریخی را اسلامیزه کند. عبور از این مانع برای زنان مسلمان، عبور از مانع اصلی در مسیر برابری است. مجموعه ی قوانین و دیدگاه های تبعیض آمیز بر اساس فقه اسلامی، زن را به موجودی وابسته و تحت استیلا مرد و ابزاری جنسی در خدمت مرد تبدیل می‌کند که حق دارد برای نگهداری از فرزندان شوهر و یا رفت و روب خانه شوهر از او دستمزد بگیرد. شاید کسانی که در گذشته چنین قوانینی را وضع کرده اند و نام احکام دینی را بر آن نهاده اند، گوشه چشمی به عدالت داشته‌اند و بدین وسیله خواسته‌اند امتیازی اقتصادی به زن بدهند، اما باید گفت که این گونه قوانین با کرامت انسانی زن منافات دارد. زن نه ابزار جنسی مرد است و نه خادم او. او شریک جنسی شوهر است و در کلیه حقوق مترتب بر ازدواج و غیر آن دارای استحقاق حقوق برابر است. بر اساس دیدگاه حاکم بر فقه اسلامی، زنان از تصدی کلیه ی اموری که با استیلا مردان بر زنان منافات داشته باشد منع شده اند، مانند تصدی منصب قضا و یا مشارکت در قدرت سیاسی.»

با این‌که قانون اساسی جمهوری اسلامی براساس فقه اسلامی نوشته شده اما کم نیستند حقوقدانانی که معتقدند در قانون اساسی برابری زن و مرد رعایت شده است. حسن فرشتیان، حقوقدان و اسلام‌شناس ساکن فرانسه به حقوق ما گفته است: «در قانون اساسی نه تنها به برابری جنسیتی در کلیه موارد اشاره شده، بلکه در مورد زنان یک نگاه تبعیضی مثبت داشته است، همان طور که این نگاه، به دلیل ستم‌هایی که در طول تاریخ نسبت به بانوان شده، در بسیاری از کشورهای دنیا نسبت به زنان جامعه وجود دارد، بنابراین باید فضاهایی را برای آن‌ها مساعد کرد تا بتوانند به حقوق خودشان برسند. از جمله سهمیه‌هایی که در دنیا در مجالس و پارلمان‌ها یا در کابینه‌ها به زنان اختصاص می‌دهند. این حرکت مثبتی است که در دوران گذر طی شود تا زنان به حقوق اولیه‌شان دسترسی پیدا کنند.»

در مقدمه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی، بخشی است به نام «زن در قانون اساسی» که در آن جا اشاره می‌شود که «زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.» البته در این بخش اشاره‌ای دارد به مسائل و بنیان خانه و خانواده، ولی همین که نگاه تبعیض مثبت برای رفع ستم علیه زنان دارد، نشان‌دهنده نگاه مثبت قانون اساسی است.»

استناد این حقوقدان برای تضمین حقوق زنان در قانون اساسی از جمله اصل ۱۹ قانون اساسی است که در آن آمده است:

1. <https://mihan.net/2737/13/05/1399/>



صراحتاً تبعیض علیه زنان آغاز می‌شود. در بررسی تبعیض جنسیتی و سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی ایران، اولین تفاوتی که بین زن و مرد وجود دارد، مسئول شناختن فرد، در مقابل جرمی است که مرتکب می‌شود. در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی در تعیین سن بلوغ مقرر می‌کند: «سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است» این در حالی است که براساس تبصره دو ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص شود، در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌شود.» این ماده قانونی در حالی مردان زیر ۱۵ سال را فاقد مسئولیت کیفری می‌داند که زنان در این سن واجد مسئولیت کیفری تلقی می‌شوند.

### تبعیض در قوانین

در مقررات قانونی جمهوری اسلامی ایران تبعیض های آشکاری در اعتبار شهادت زن نسبت به شهادت مرد وجود دارد. در جرائم کیفری اصولاً شهادت زن پذیرفته نیست<sup>۱</sup> و به آن ترتیب اثر داده نمی‌شود و فقط شهادت مرد، در بعضی موارد چهار مرد عادل و در مواردی دو مرد عادل، مؤثر در

1. <https://bit.ly/39s57oc>

اثبات جرم است.

یکی از آن موارد آشکار تبعیض جنسیتی علیه زنان که برآمده از فقه اسلامی است، موضوع قصاص است، براساس قانون اگر زنی عمداً مردی را به قتل برساند قصاص می‌شود، ولی اگر مردی زنی را عمداً به قتل برساند در صورتی مرد قصاص می‌شود که خانواده زن نصف دیه مرد را به او بپردازد. طبق ماده ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی «هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود، حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیر مسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص می‌شود.» و این قانون آغاز ورود به موضوع دیه زن و مرد است که از تبعیض‌های علیه زنان محسوب می‌شود.

در ماده ۴۴۸ در تعریف دیه آمده است: «دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.» طبق ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی نصف دیه مردان است. این ماده اعلام می‌کند: دیه خنثای ملحق به مرد، دیه مرد و دیه خنثای ملحق به زن، دیه زن و دیه خنثای مشکل، نصف دیه مرد به علاوه نصف دیه زن است. و اما در تبصره این ماده آمده است «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت می‌شود.»

ارث نیز از جمله حقوق مالی و اقتصادی است که افراد پس از فوت اعضای خانواده از آن بهره‌مند می‌شوند. ماده ۹۰۷ قانون مدنی اعلام می‌کند ارث بردن دختر نصف پسر است، اگر متوفی ابوبین نداشته و اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد.

به گفته مهری جعفری یکی از مهم‌ترین موارد تبعیض قانونی علیه زنان، در قانون خانواده این است که قانون‌گذار مرد را رئیس خانواده اعلام کرده است. همین امر سبب شده تا در موارد متعددی زن اختیاری برای تصمیم‌گیری برای خود نداشته باشد. از جمله

در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی آمده است «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند» بر طبق ماده ۱۱۳۳ نیز حق طلاق از همسر متعلق به مرد است و این ماده اعلام می‌کند، که مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را به اجرا بگذارد. قانونی که به گفته مهری جعفری **بخشنامه** جدید قوه قضاییه در مورد آن زنان را بیش از پیش از دستیابی به عدالت باز داشته است.

2. <https://bit.ly/3odjCvv>

عملی زده، با قانون نوین محاکمه و محکوم کرد. این حق یکی از بدیهی‌ترین حقوق شهروندان، امروزه در تمام جهان شناخته شده است و کشورها افزون بر پیوستن به میثاق‌ها و معاهدات بین‌المللی، آن را با گنجاندن در قوانین داخلی خود تضمین کرده‌اند.

و این در حالی است که تاکنون اعدام شمار زیادی از زندانیان کُرد اهل سنت بر مبنای «اعترافات اجباری» و بر خلاف اصل ۳۸ قانون اساسی، صورت گرفته که اهانتی بارز به بنیادی‌ترین موازین حقوق بشر، یعنی همانا «سلب حیات» است.

از این بیش مناطق کردنشین ایران در یکی از محروم‌ترین و عقب‌نگه داشته‌ترین مناطق ایران زندگی می‌کنند. مشکلات زنان کُرد یک بُعدی نیست و ابعاد و تبعات اقلیت بودن از نظر قومی و مذهبی شکل مضاعف ستم روا شده بر زنان را به چند بعد مبدل کرده است.

زنان کُرد برای تأمین حقوق خود نه تنها با چالش‌های مختص به جنس روبه‌رو بوده و تحت قوانین تبعیض‌آمیز به سر می‌برند بل، ساختار اقتصادی عقب‌نگه داشته شده و سنت و مذهب که از حمایت قانون بهره می‌جویند بر ابعاد این تبعیضات افزوده است. در برخی موارد مردان به صورت گروهی از خانواده‌ها گرفته شده، کشته یا اعدام شده‌اند یا مجبور به ترک خانواده گشته و به یکی از احزاب سیاسی پیوسته‌اند. در این زمان زنان بار فشار اقتصاد خانواده را بر عهده داشته‌اند. اما همین زنان نیز مورد فشارهای شدید دستگاه‌های امنیتی قرار گرفته‌اند.

از منظری دیگر وضعیت بحران‌های پیاپی و سیاست‌های نظامی دولت نیز بر حجم فشار بر زنان افزوده است. فشارها و بحران منطقه، وضعیت اقتصادی و فشارهای سنتی و عدم حمایت‌های قانونی، آمار خودکشی از نوع خودسوزی و قتل‌های ناموسی را افزایش داده است. قوانین نیز از ازدواج‌های زودهنگام و اجباری، خشونت خانگی علیه دختران و زنان کُرد، خودکشی/ خودسوزی، و قتل‌های «ناموسی» که حقوق آنان را بیشتر از بین می‌برد جلوگیری نکرده و در راستای تقویت این ناپهنجاری‌ها گام برمی‌دارد.

هنوز زنان زندانی کُرد که همگی زنان زندانی سیاسی

خود متضرر تخطی شده. اگر طرف شاکی حق حضور در محکمه را ندارد، در اینصورت قضیه غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد. اصطلاح کامل برای حق حضور در جلسه/محکمه "locus standi in judicio" است.

### حق تعیین وکیل / ماده ۱۱

الف: اگر کسی به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه شمرده می‌شود تا آن‌گاه که اتهام او در یک دادرسی علنی، که به او همهی تضمین‌های ضروری برای دفاع از خود را داده است، به موجب قانون به اثبات برسد.

ب: هیچ کس را نباید برای انجام دادن یا انجام ندادن کاری که در هنگام رخداد آن بنا به حقوق کشوری یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده، محکوم کرد. همچنین نباید کیفری سنگین‌تر از آن چه که در زمان رخداد جرم معمول بوده، بر او تحمیل نمود. در حقیقت تناسب جرم و مجازات باید روشن و توسط قانون‌گذار تبیین و مشخص گردد.

این ماده نیز متضمن یک دادرسی عادلانه است و چهار حق اساسی را در بر می‌گیرد: «احتمال بی‌گناهی» به این معنی است که اگر کسی متهم به بزه یا جنایتی شد باید بی‌گناه محسوب شود تا زمانی که جرم او در یک دادگاه بی‌طرف و عادلانه به اثبات برسد. به همین جهت اگر کسی به اتهام جرمی بازداشت شد، همواره باید از مفهوم «مجرم احتمالی» سخن گفت. «حق دفاع» یعنی هر متهمی باید بتواند یک وکیل مدافع داشته باشد. اگر متهم به لحاظ مالی نتواند وکیل مدافع بگیرد، دولت موظف است که یک وکیل مدافع در اختیار او بگذارد. «علنی بودن» دادرسی نه تنها برای متهم از اهمیت تعیین‌کننده برخوردار است، بل، اعتماد عمومی شهروندان به دادگاه‌ها و نیز به دولت را تقویت می‌کند. زیرا در دادرسی نهانی احتمال پامال کردن حقوق بشر بیشتر خواهد بود. «هماهنگی زمانی جرم و قانون» بدان معنی است که قانون «به گذشته بر نمی‌گردد» عطف بامسابق نشدن قانون». یعنی اگر طبق قانون کنونی رفتار یا کنش معینی جرم تلقی شود که در گذشته جرم محسوب نمی‌شده، در این صورت نمی‌توان کسی را که پیش از تصویب این قانون دست به چنین

## قوانین، حقوق و تبعیض



نیره انصاری

می‌کند. هدف این ماده برپایی یک دادگاه و دادرسی است که مستقل و بیطرفانه به اظهارات شاکی و متهم گوش می‌دهد.

### حقوق قانونی Legal Rights

حقوقی که توسط یک مقام باصلاحیت تضمین و به رسمیت شناخته شده است تا اعلام و تضمین شود و در حضور یک محکمه که آن را حکم می‌کند از آن دفاع گردد.

### حق حضور در محکمه یا دادگاه - Locus Standi

حق حضور در محکمه؛ حق درج یک شکایت و حضور در جلسه/ محکمه، کمیته یا کمیسیون که صلاحیت اخذ و حل و فصل قضایای تخطی‌های حقوق بشر یا حق تقاضای یک نظریه را دارد. این یک وضعیت پذیرفتن یک شکایت تحریری است که طرف شاکی باید حق حضور در محکمه را داشته باشد که معمولاً بدین نحو است که طرف شاکی

بر اساس ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایزی، مانند رنگ، زبان، دین، باور سیاسی یا هر باوری دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا وضعیت دیگر، از همهی حقوق و آزادی‌های نوشته‌شده در این اعلامیه بهره‌مند گردد». و یا هیچ کس را نمی‌توان به دلیل وضعیت سیاسی، حقوقی و بین‌المللی کشور یا سرزمینی که به آن وابسته است، خواه این کشور یا سرزمین آزاد، تحت سرپرستی یا غیرخودگردان باشد یا زمامداری آن به گونه‌ای محدود شده باشد، مورد تبعیض قرار داد». نیز ماده ۱۰ آن اعلامیه مقرر می‌دارد: «هر کس با برابری کامل حق دارد که دعوتش در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، عادلانه و علنی رسیدگی شود و تنها چنین دادگاهی می‌تواند درباره‌ی حقوق و تکالیف او و یا هر گونه اتهام کیفری علیه او تصمیم بگیرد.

این ماده، مانند ماده ۹ به دادرسی‌های عادلانه می‌پردازد. تمرکز ماده ۱۰ بر روی دعوای حقوق مدنی است، یعنی زمانی که یک شخص علیه شخص دیگری شکایت



در تبعید هستند در زندان به سر می‌برند. آنان حتی از داشتن وکیل محروم‌اند و حق صحبت به زبان‌گردی را با افراد خانواده خود ندارند تا بازجویان بتوانند محتوای صحبت را متوجه شوند. برای نمونه زینب جلالیان از زندانی سیاسی است که به حبس ابد محکوم و اکنون نیز با توجه به بحران کرونا پاندمی به زندان کرمان تبعید شده است.

در ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است درباره کلیه کسانی که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار نمود.

بدین‌سان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، مجازات‌های حبس طولانی مدت یا اعدام اغلب در پی محاکمه‌های نا عادلانه و با نقض اساسی‌ترین حقوق بشر اجراء می‌شود. این مجازات منشاء تبعیض دیگری نیز است به ویژه تهی‌دست‌ترین و آسیب‌پذیرترین اشخاص، از جمله زنان و خارجیان را هدف قرار می‌دهد.

**تبعیض روا داشتن نسبت به معلولان**  
آغاز جنبش‌های حمایت از افراد دارای معلولیت به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد. نخستین جوامع و سازمان‌های حمایت از نابینایان در سال ۱۸۸۹ و برای ناشنوایان در سال ۱۸۹۰ در انگلستان تأسیس شدند. در ایالات متحده این جنبش‌ها پس از پایان جنگ اول جهانی و همراه با بازگشت افراد نابینا و دیگر معلولان ناشی از جنگ به وطن فعال شدند. در سطح بین‌المللی برای نخستین بار در اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۲۴ جامعه ملل بود که مسأله حمایت از معلولان (مشخصاً کودکان دارای معلولیت ذهنی) مورد توجه قرار گرفت. در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل از دولت‌ها درخواست کرد تا روز سوم دسامبر هر سال، سالروز تصویب برنامه جهانی در خصوص معلولان سال ۱۹۸۲ را به عنوان روز جهانی افراد دارای معلولیت نام‌گذاری نمایند.

در این خصوص آمارها نشان می‌دهد که بیش از یک میلیارد تن، یعنی حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان دچار نوعی معلولیت هستند. بسیاری از این گروه‌های معلول با تبعیض‌های مربوطه در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. در بسیاری از نقاط جهان معلولان با موانع جسمی، اجتماعی، اقتصادی و نگرشی روبه‌رو هستند که آن‌ها را از مشارکت کامل و مؤثر همانند سایر اعضای جامعه مستثنی می‌کند. و این در حالی است که معاون توانبخشی سازمان بهزیستی در ایران تعداد معلولین ثبت شده در سامانه بهزیستی را (۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تن) اعلام کرده است؛ اگرچه بر اساس داده‌های سازمان ملل، حدود ۱۰ درصد از هر جامعه‌ای را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهد. با این احتساب می‌توان تخمین زد که نزدیک به هفت میلیون معلول جسمی، حسی و ذهنی در کشور وجود داشته باشد.

در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی آمده: «افراد دارای معلولیت باید از دخالت خودسرانه در حریم خصوصی خود مصون باشند و به طور برابر در مقابل دولت برای حفظ حریم خصوصی خود قرار بگیرند.»

مسأله حمایت از افراد دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه مانند ایران که هنوز شاخص‌های کمی و کیفی توسعه در مراحل «نخستین» پیشرفت قرار دارد، بسیار مهم است. این امر به ویژه برای کشور ما که سال‌ها درگیر جنگ بوده، اهمیت افزون‌تری یافته است. در واقع جنگ هشت ساله میان ایران و عراق، علاوه بر جانبازان جنگ، بر اثر مواردی چون بمباران شیمیایی، بر شمار سایر معلولان ژنتیکی و عارضی افزوده است.

در این میان یکی از مشکلات اساسی زنان معلول اشتغال است. معلولیت به عنوان یک عامل بازدارنده بر سر راه اشتغال افراد عمل می‌کند و اگر به این مسأله توجه کافی مبدول نگردد موجب بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای فرد و جامعه خواهد بود. از دیگر مشکلات زنان معلول، مسأله ازدواج آنان است که به دلیل مشکل جسمی، سن ازدواج این افراد نسبت

به گذشته بالا رفته و این اشخاص نمی‌توانند به راحتی فرد مورد علاقه خود را بیابند. در این باره یکی از راه حل‌های ارائه شده به سازمان نظام وظیفه، همانا ثبت رسمی عقد ازدواج آن‌ها در شناسنامه است که به تبع آن پسر از سربازی معاف می‌گردد و چنانچه مهر طلاق در شناسنامه آنان زده شد، این معافیت از سربازی نیز لغو گردد.» بنابراین قانون معافیت (از خدمت نظام وظیفه) همسران کسانی که با زنان معلول ازدواج می‌کنند نه تنها مشکلی را حل نکرده است، بل، موجب سوء استفاده برخی افراد و خدشه دار شدن روحیه زنان معلول شده است. اگرچه مشکلات زنان معلول در ازدواج و اشتغال خلاصه نمی‌شود، بل، نگاه جنسیتی و به حاشیه راندن نیازهای زنان دارای معلولیت و جدی نگرفتن مشکلاتشان بیش از دیگر کمبودها، جامعه زنان معلول را آزار می‌دهد.

### پایان سخن

کلیه افراد، صرف نظر از هر گونه موقعیتی که دارا هستند، چه در وجه عام و یا به صورت خاص، مورد حمایت اسناد بین‌المللی حقوق بشرند. در این میان افراد دارای معلولیت به دلیل وضعیت و شرایط خاصی که دارند همواره بیش از سایر افراد در معرض محرومیت و نقض حقوق خود قرار گرفته‌اند. بدیهی است که هدف اصلی اسناد حقوق بشری، شمول کلیه حقوق مندرج در آن‌ها نسبت به همه افراد از جمله افراد دارای معلولیت است.

اما وجود اسناد خاص که مشخصاً حقوق اساسی این قشر از افراد را مورد حمایت و تأکید قرار دهد، می‌تواند نقش بسزایی در روند توسعه و نهایتاً برقراری عدالت ایفاء نماید. ایضاً مشارکت کامل در جامعه، برابری فرصت‌ها و مناسب‌سازی محیط اجتماعی برای معلولان سه مقوله عمده محسوب می‌گردند که در رابطه با این گروه باید مورد توجه جدی قرار گیرند. از این پیش، باز اندیشی در نظام جامع حمایت از معلولان از حیث رفع نقایص محتوایی و کاربردی کردن آن‌ها به ویژه پیش‌بینی تدابیر اجرایی مناسب و کارآمد نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر  
ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: mail@iranhr.net

